

وحدت و همگرایی در پرتو قرآن و سنت

محمد جواد عرفانی^۱

چکیده

اتحاد و همگرایی از نیازهای اساسی جامعه انسانی و خواسته‌های وجدانی انسان است که به عنوان یک نیاز بشری، در قرآن و سنت، بازتاب خاصی دارد. این مسئله مهم انسانی، با هدف برجسته‌سازی اهمیت و ضرورت آن در جامعه، در این تحقیق، با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی بررسی شده است. کلیت تحقیق به این سوال اصلی پاسخ می‌دهد که وحدت و همگرایی به عنوان یک نیاز بشری، چه جایگاهی در قرآن و سنت دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که وحدت و همگرایی برای جامعه انسانی یک امر ضروری است؛ زیرا فواید مادی و معنوی فراوانی دارد. قرآن کریم نصرت و عزت مسلمانان را در سایه اتحاد و همگرایی ممکن دانسته و در مقابل، اختلاف و تفرقه را باعث شکست جوامع اسلامی معرفی می‌کند. بر این اساس معرفی این اصل مهم اجتماعی و انسانی، از دیدگاه قرآن کریم یک ضرورت پژوهشی است.

کلیدواژه‌ها: اتحاد، همگرایی، قرآن و سنت، نیاز بشری، تفرقه

۱. فارغ التحصیل سطح چهار، جامعه المصطفی العالمیه، قم، مدرس حوزه علیمه رسول اعظم (ص)، کابل، افغانستان

ایمیل: erfanimjawad@gmail.com



مقدمه

همگرایی یا همبستگی اجتماعی و اتحاد از مفاهیم بنیادین جامعه‌شناسی و فلسفه اجتماعی هستند که به انسجام و ارتباط میان افراد و گروه‌های مختلف در یک جامعه اشاره دارند. این مفاهیم، ستون‌های اصلی ایجاد یک جامعه پایدار، هماهنگ و موفق به شمار می‌آیند. همگرایی و همبستگی اجتماعی به معنای پیوندها، ارزش‌ها و تعهدات مشترکی است که افراد یک جامعه را به یکدیگر متصل می‌کند. این پیوندها می‌توانند بر پایه اشتراکات فرهنگی، دینی، زبانی یا اقتصادی شکل بگیرند و باعث تقویت احساس تعلق میان اعضای جامعه شوند. زمانی که افراد احساس کنند که اهداف و منافع مشترکی دارند، آمادگی بیشتری برای همکاری، کمک به یکدیگر و حل مشکلات جمعی از خود نشان می‌دهند.

اتحاد، به‌عنوان شکلی از همبستگی، به هماهنگی عملی و اراده جمعی برای پیشبرد اهداف مشترک اشاره دارد. در جوامعی که اتحاد وجود دارد، افراد و گروه‌ها، با وجود اختلافات و تنوع‌های فکری، به درک متقابلی از نیازها و دغدغه‌های یکدیگر می‌رسند. این نوع اتحاد می‌تواند از طریق گفت‌وگو، تعامل و احترام متقابل به دست آید. همبستگی و اتحاد در شرایط بحرانی، مانند بحران‌های طبیعی یا اجتماعی، نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. در چنین مواقعی، افراد با کنار گذاشتن تفاوت‌های شخصی، برای حمایت از یکدیگر و مقابله با چالش‌ها متحد می‌شوند. این ارزش والای انسانی و اجتماعی، در دین مبین اسلام، جایگاه والایی دارد که در قرآن کریم و سنت نبوی بازتاب یافته است؛ زیرا وحدت و همگرایی یکی از عوامل قدرت و پیروزی، عزت و عظمت یک جامعه و کشور است.

متأسفانه در جهان اسلام آنچه مشاهده می‌کنیم، نقطه مقابل وحدت و انسجام است؛ یعنی نفاق و فتنه‌های ریشه‌دار که جنگ و نزاع‌های خانمان‌سوز و ویرانگری را در پی داشته است. طبعاً ثمره آن نیز جز ذلت، حقارت و شکست در عرصه‌های مختلف، برای جوامع اسلامی چیزی دیگری نبوده است. در اینکه دشمنان اسلام و قدرت‌های سلطه‌جو، آتش‌بیار معرکه اختلافات و فتنه‌انگیزی‌ها هستند، شکی نیست. این خون‌خواران با تربیت گروه‌های تندرو، تحت عناوین مختلف با القاب اسلامی در کشورهای اسلامی، مسلمانان را به جان هم انداخته‌اند و برای نابودی کشورهای اسلامی هم‌پیمان شده و همه



امکانات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خود را برای تضعیف جوامع اسلامی در صحنه بین‌المللی، به کار گرفته‌اند؛ اما متأسفانه سرسپردگی دولت‌های اسلامی به جهان غرب، به جهت در هم کوبیدن و تضعیف یکدیگر باعث شده که از همه مصالح و منافع که در مسیر قدرت و عظمت مسلمانان باشد، دست بردارند و از تمام دسیسه‌های دشمنان اسلام غافل بمانند.

تفرقه و اختلاف آتشی است که هرگاه به خرمنی برسد، همه را می‌سوزاند. متأسفانه این آتش به دلیل بی‌توجهی مسلمانان به اصول و مبانی نگهداری از خرمن با برکت اسلام، دامن‌گیر جامعه بزرگ مسلمانان شده و در حال سوزاندن تمامی دارایی‌های مادی و معنوی آن‌ها است. بدون شک، همان‌طور که آتش نفاق و اختلاف منجر به فروپاشی و شکست سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع اسلامی می‌شود. در مقابل، وحدت و همگرایی در جامعه اسلامی سبب عظمت و اقتدار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خواهد شد. از این‌رو، در این مقاله تلاش شده است تا مطالبی درباره مفهوم وحدت و همگرایی و اهمیت آن در جامعه اسلامی با استناد به آیات و روایات ارائه شود.

۱. مفاهیم

۱-۱. وحدت

در کتب لغت، کلمه «وحدت» از «وحد، یحد، حدة و واحداً» مشتق شده و به معنای تنها بودن و تنهایی اشاره دارد. (وجدی، ۱۹۹۶: ۶۴۵) به گفته راغب اصفهانی، «وحدت از واحد گرفته شده است و واحد در اصل به چیزی گفته می‌شود که قطعاً جزء ندارد. سپس این مفهوم به هر چیز دیگری تعمیم یافته و به عنوان صفت وحدت به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۵۸۷) در لغتنامه دهخدا نیز این واژه به معنای «یگانگی، یگانه شدن و تنهایی» در کاربرد زبان فارسی تعریف شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۱-۲۳۵) همچنین واژه «اتحاد» به معنای یکی شدن دو یا چند چیز است و مفاهیمی چون یگانگی داشتن، یگانگی کردن، یکرنگی، یکدلی و یک‌جهتی در آن نهفته است. کلمه «متحد» نیز به معنای یکی شده، پیوسته و متفق به کار می‌رود. (همان)



۱-۲. وحدت در قرآن

اگرچه در قرآن کریم عین کلمه «وحدت» و «اتحاد» نیامده؛ اما مفاهیم که به کار برده شده، بیانگر این معانی و مفاهیم است که روابط اجتماعی انسان‌ها یا خصوص مسلمانان را گوشزد می‌نماید. از جمله واژه‌های که در قرآن کریم مفهوم و معیار وحدت و همگرایی را بیشتر از مفاهیم دیگر می‌رساند، واژه «امت» است که در آیات متعدد قرآن کریم آمده است. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»؛ (بقره: ۱۴۳) «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ»؛ (یونس: ۴۷) «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»؛ (نحل: ۳۶) «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ»؛ (بقره: ۲۱۳) «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»؛ (انبیاء: ۹۲)

برای کلمه امت چند معنی ذکر گردیده است: «۱. به معنای جماعتی است که دارای هدفی مشترک باشند و لازمه آن اجتماعی زندگی کردن است؛ ۲. اصل واژه امت از ماده «ام، یوم» گرفته شده که به معنای قصد است و نه بر هر جماعت، بلکه بر جماعتی اطلاق می‌شود که افراد آن، دارای یک هدف و یک مقصد باشند و این مقصد واحد رابطه واحدی میان افراد ایجاد کند. به همین جهت توانسته‌اند این کلمه را بر یک فرد هم اطلاق کنند». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲: ۱۸۵) ۳. امت در اصل از ماده «ام» به معنای هر چیزی است که اشیای دیگری به آن ضمیمه گردد. به همین جهت، امت به جماعتی گفته می‌شود که جنبه وحدتی در میان آنان باشد؛ وحدت از نظر زمان یا مکان یا از نظر هدف و مرام. بنابراین به اشخاص متفرق و پراکنده امت گفته نمی‌شود؛ ۴. کلمه امت «از ریشه آمَم در لغت به معنای اقتدا و پیروی و آهنگ، پیشوایی و رهبری آمده است و در قرآن به معنای جماعتی از مردم است که دارای یک راه و روش، یک هدف و یک رهبرند و از یک مرام و مکتب پیروی می‌کنند». (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ۴۷)

در نتیجه از مفاهیم و عناوینی که در قرآن کریم آمده از جمله مفهوم امت، می‌توان گفت که منظور از وحدت و اتحاد مسلمین، انسجام، ارتباط، یگانگی و همگرایی مسلمانان جهت حفظ اقتدار و عظمت اسلام و دست یافتن به اهداف اساسی دینی، اجتماعی و



سیاسی در مقابل دشمنان مشترک است.

در اصطلاحات روزمره سیاسی، اجتماعی و عرف عام جامعه، وقت کلمه وحدت یا اتحاد اسلامی و همگرایی به گوش می‌رسد، شاید این سؤالات پیش آید که منظور از وحدت مسلمین آیا بدین معنا است که همه مذاهب اسلامی تبدیل شود به یک مذهب؟ پاسخ همه این سؤالات را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد و آن اینکه هیچ یک از این معانی، معنای وحدت و انسجام اسلامی نیست و هیچ یک از اینها شدنی و امکان‌پذیر نیست. بنابراین باید گفت که هدف از اتحاد و همگرایی، یکی کردن مذاهب و حذف مذاهب دیگر و یکی کردن آنها نیست؛ مثلاً اشعری را معتزلی و سنی را جایگزین شیعه و حنفی را تبدیل حنبلی و یا به عکس نیست. بنابراین ابتدا باید این مفهوم روشن بشود تا در رابطه با ضرورت و اهمیت آن بحث نمود.

برای روشن شدن مفهوم وحدت و اتحاد به فرمایش از شهید مطهری اشاره می‌کنم که در زمینه برداشت غلط از وحدت اسلامی می‌نویسد: «آنچه بر سر مسلمین آمد، شوکت آنها را گرفت و آنها را زیر دست و تو سری خور ملل غیر مسلمان قرار داد، همین اختلافات فرقه‌ای است... بدون شک نیاز مسلمین به اتحاد و اتفاق از مبرم‌ترین نیازهاست و درد اساسی جهان اسلام همین کینه‌های کهنه میان مردم مسلمان است. دشمن هم همواره از همینها استفاده می‌کند... مفهوم اتحاد اسلامی... این است که محیط حسن تفاهم به وجود آید. آنچه طراحان این فکر عالی اتحاد اسلامی که در مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در شیعه و علامه شیخ عبدالمجید سلیم و علامه شیخ محمود شلتوت در اهل تسنن،...

در نظر داشتند این بود که فرقه‌های اسلامی در عین اختلافاتی که در کلام، فقه و غیره باهم دارند، به واسطه مشترکات بیشتری که در میان آنها هست می‌توانند در مقابل دشمنان خطرناک اسلام دست برادری بدهند و جبهه واحدی تشکیل دهند. (ر.ک. مطهری، ۱۳۹۶: ۱۴-۱۸)

شیخ محمد تقی قمی، مؤسس «دارالتقريب بين المذاهب الإسلامية» گفته بود: «هدف از تأسیس این مرکز، تقریب میان مذاهب است نه توحید مذاهب؛ یعنی هدف این نیست که شیعه از اصول و معتقدات خودش فاصله بگیرد یا سنی از مبانی اعتقادی‌اش دست بردارد، علت فاصله میان مذاهب، عدم آشنایی صحیح از مبانی فکری یکدیگر است و با تأسیس

این مرکز، صاحبان اندیشه‌های هر یک از مذاهب، با حفظ مبانی اعتقادی خود و احترام به معتقدات همدیگر، مسائل اختلافی را در محیطی آرام مطرح نمایند. تا ضمن آشنایی با افکار همدیگر و مشترکات میان مذاهب، تفاهم بیشتری داشته باشند». شیخ محمد عاشور، معاون رئیس دانشگاه الأزهر و رئیس کمیته گفتگو بین مذاهب اسلامی نیز گفته بود: «فكرة التقريب بين المذاهب الإسلامية لاتعنى توحيد المذاهب الإسلامية ولا صَرْفُ أى مسلم مذهبه وصرف المسلم عن مذهبه تحت التقريب تضليل فكرة التقريب... فإنّ الاجتماع على فكرة التقريب يجب أن يكون أساسه البحث والإقناع والاقناع، حتّى يمكن لسلح العلم والحجّة محاربة الأفكار الخرافية... وأن يلتقى علماء المذاهب ويتبادلون المعارف والدراسات ليعرف بعضهم بعضاً فى هدوء العالم المتنبّت الذى لا همّ له إلاّ أن يدرى ويعرف ويقول فينتج»^۱ (شمس الدين، ۱۴۲۲: ۱۹)

در نتیجه می‌توان گفت مقصود از وحدت و همگرایی این است که پیروان مذاهب گوناگون اسلامی در عین حال که عقاید و احکام خاص مذهب خودش را حفظ می‌کنند و به آن‌ها پایبند هستند، در روابط اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود با مسلمین دیگر همسو و مصالح عالیّه اسلام و امت اسلامی را در نظر بگیرند و بر اساس این معنا از وحدت، امت اسلامی در مقابل دشمنان اسلام همواره به صورت «ید واحده» عمل کنند.

۲. اتحاد و همگرایی در پرتو قرآن

قبل از پرداختن به بیان آیات مورد نظر از چند نکته نباید غافل شود:

یک: اگرچه از منظر قرآن کریم همه انسان‌ها در انسان بودن مساوی هستند و از یک پدر و مادر خلق شده‌اند، از ویژگی‌های مشترکی برخوردارند؛ اما تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. ویژگی‌های فردی هر کدام از انسان‌ها متفاوت است؛ مثلاً هر فرد از لحاظ چهره، قد و قامت، صدا، زبان و... نسبت به دیگران متفاوت است که این تفاوت‌ها به تعبیر قرآن کریم باعث شناخته شدن آن‌ها از یک دیگر می‌گردد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ

۱. هدف از اندیشه تقرب بین مذاهب اسلامی، یکی کردن همه مذاهب و روی گردانی از مذهبی و روی آوردن به مذهبی دیگر نیست که این به بیراهه کشاندن اندیشه تقرب است، تقرب باید بر پایه بحث و پذیرش علمی باشد تا بتوان با این اسلحه علمی به نبرد با خرافات پرداخت، و باید دانشمندان هر مذهبی در محیطی آرام در گفتگوهای علمی خود دانش خود را مبادله کنند، و نتیجه بگیرند.



وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلًا لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است». (حجرات: ۱۳)

هم‌چنین از لحاظ هوش، استعداد و خلاقیت نیز افراد بشر با هم متفاوتند و هرکدام نیز در زمینه خاصی از علم، استعداد و علاقه دارند. قرآن کریم درباره اختلاف سطح علم و دانش مردمان می‌گوید: «إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ تَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءَ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ؛ درجات کسانی را که بخواهیم بالا می‌بریم و فوق هر صاحب دانشی، دانشوری است». (یوسف: ۷۶)

برخورداری از سطح اقتصادی و معیشت زندگی انسان‌ها نیز با یکدیگر متفاوت است. بعضی فقیرند و بعضی دیگر ثروتمند. خداوند می‌فرماید: «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْحَارًا وَرَحِمْتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ؛ ما معاش آنان را در زندگی قرار داده‌ایم تا بعضی از آن‌ها بعضی (دیگر) را در خدمت گیرند». (زخرف: ۳۲) اما با وجود این تفاوت‌ها، امکان ایجاد همزیستی، وحدت و همدلی میان انسان‌ها وجود دارد.

دو: قرآن کریم برای هدایت بشر آمده و بدون شک هرچه مربوط به زندگی فردی و اجتماعی افراد بشر می‌شود در این کتاب مبین آمده: «وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَاسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ». (انعام: ۵۹) از طرف قرآن کریم بر خلاف سایر کتب الهی که دستخوش تحریف شده است، به اتفاق همه مسلمین از هرگونه تحریف و تغییر در متن آن مصون و محفوظ مانده است. این رمز جاودانگی این قانون الهی است، حال که جوامع اسلامی مفتخر به داشتن چنین قانون که هیچ شک و تردید در آن نیست «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ» است. باید در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی‌شان در پرتو این قانون (قرآن) زندگی کند و عزت و اقتدار اسلامی در سایه سار همین کتاب مقدس و جاویدان به دست می‌آید.

سه: قرآن کریم مهم‌ترین عامل عزت و عظمت مسلمین را اتحاد و همگرایی جامعه اسلامی معرفی می‌کند. خداوند منان مسلمانان را به وحدت و همدلی دعوت می‌کند و از تفرقه و نفاق منع می‌کند. لذا برای اینکه در پرتو قرآن عظیم الشان، بتوانیم به اتحاد و



همگرایی برسیم، چند آیه را که در راستای وحدت و انسجام جامعه بشری، بررسی می‌کنیم:

۲-۱. اعتصام به حبل الله

قرآن کریم در یک دعوت عام، همه را به اعتصام به حبل الله فرامی‌خواند و از تفرقه نهی می‌کند. چنانکه می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛ همه به ريسمان الهی چنگ بزنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس خداوند میان دل‌هایتان الفت ایجاد کرد و در سایه نعمت او برادران یکدیگر شدید». (آل عمران: ۱۰۳)

در اینکه ريسمان الهی چیست؟ مفسران مواردی مختلف را ذکر کرده‌اند، از جمله کتاب و سنت، دین الهی، اطاعت خداوند، توحید خالص، ولایت اهل بیت^(ع). مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان می‌فرماید: «بهتر این است که مفهوم حبل الله همه این معانی را شامل باشد: «اعتصموا بحبل الله»؛ ای تمسک‌کنندگان به و قیل امتنعوا به من غیره و قیل فی معنی حبل الله أقوال. أحدها أنه القرآن... و ثانيها أنه دين الله الإسلام... وثالثها ما رواه أبان بن تغلب عن جعفر بن محمد^(ع) قال نحن حبل الله الذي قال «واعتصموا بحبل الله جميعاً»... عن النبي^(ص) أنه قال أيها الناس إني قد تركت فيكم حبلين إن أخذتم بهما لن تضلوا بعدى. أحدهما أكبر من الآخر كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي ألا وإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض «و لا تفرقوا» معناه و لا تتفرقوا عن دين الله». (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲: ۸۰۵)

در این آیه «مسئله اتحاد و نهی از هرگونه تفرقه و اختلاف، مطرح است. از نظر قرآن کریم، اتحاد و همگرایی نعمت بزرگ خداوند است. لذا این آیه از مردم می‌خواهد که گذشته تفرقه‌آمیز خود را به یاد آرید که خداوند چگونه عداوت شما را به برادری مبدل کرد و دل‌های شما را نسبت به همدیگر مهربان ساخت. لذا خداوند تألیف قلوب مؤمنان را به خود نسبت داده می‌فرماید: «خدا در میان دل‌های شما الفت ایجاد نمود». خداوند در این آیه انگاره به یک معجزه اجتماعی اسلام اشاره کرده؛ زیرا با توجه به سابقه عداوت و دشمنی پیشین در میان اعراب که یک موضوع جزئی و ساده کافی بود آتش جنگ خونین در میان آن‌ها بیفزود،



ثابت می‌گردد که از طرق عادی امکان‌پذیر نبود که از چنین ملت پراکنده و غرق در جهل و بی‌خبری، ملتی واحد، متحد و برادر بسازند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱: ۳۱۶)

در مورد شأن نزول این آیه، آمده که این آیه درباره دو طایفه اوس و خزرج نازل شده که صد سال در میان آن‌ها جنگ و اختلاف و جنگ و برادرکشی بوده تا اینکه خداوند پیامبر رحمت و مودت را مبعوث به رسالت کرد و آنان به دین اسلام گرویدند و مسلمان شدند و از برکت اسلام و قرآن، آن کینه و دشمنی طولانی از میان آنان رفت و با هم برادر شدند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲: ۸۰۶)

۲-۲. کیفر تفرقه و اختلاف

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند آن‌هم پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید و آن‌ها عذاب عظیمی دارند». (آل عمران: ۱۰۵)

از جمله روش هدایت قرآن کریم این است که با ذکر عواقب و پیامدهای معصیت، اخطار می‌دهد و از طریق برای متریان، انگیزه رشد معنوی و تربیت شدن ایجاد می‌کند. قرآن نسبت به اهمیت وحدت مسلمانان نیز خطاب به مسلمانان هشدار می‌دهد که بر اثر تفرقه و اختلاف در میان خود، به سرنوشت امت‌های پیشین مثل یهود و نصاری گرفتار نشوید که عذاب بزرگ در انتظار شما خواهد بود. در مورد مصداق «الذین» در آیه مبارکه مفسرین احتمالات داده‌اند که مقصود، یهود و نصاری هستند و آیه بر حرمت اختلاف دلالت می‌کند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲: ۸۰۷)

برخی از مفسران می‌گویند: «بعید نیست جمله «مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ»، متعلق به جمله «وَاخْتَلَفُوا» باشد که در این صورت منظور از «اختلاف»، تفرقه از حیث اعتقاد و مراد از «تفرقه» اختلاف و تشتت از حیث بدن‌هاست. اگر تفرقه را جلوتر از اختلاف ذکر فرمود، برای این است که تفرقه و جدایی بدن‌ها از یکدیگر، مقدمه جدایی عقاید است؛ زیرا اگر یک قوم به هم نزدیک و مجتمع و مربوط باشند، عقایدشان به یکدیگر متصل می‌گردد و در آخر از راه تماس و تأثیر، متحد می‌شوند و اختلاف عقیدتی در میانشان رخنه نمی‌کند؛ اما وقتی افراد از یکدیگر پراکنده و بریده شدند، همین اختلاف و جدایی جسمی و اجتماعی،

باعث اختلاف مشرب‌ها و مسلک‌ها می‌شود و به تدریج هرچند نفری دارای افکار و آرای مستقل و جدا از افکار و آرای دیگران می‌شوند و تفرقه و جدایی باطنی هم پیدا می‌کنند و باعث رخنه در وحدتشان می‌گردد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳: ۵۷۹)

آیه مبارکه به چند مورد هشدار می‌دهد: یکی اینکه مسلمانان باید وحدت، همگرایی و همسویی داشته باشند و آن را تحت هر شرایطی حفظ کنند؛ دوم اینکه مثل قوم یهود و نصاری دچار اختلاف و پراکندگی نشوند تا پیامدهای ناگوار این رسم یهودی، دامن‌گیر جمعیت شما نشود و سوم اینکه در صورتی که به این موارد توجه نکنید، بدون شک سرنوشت بد و دردناکی در انتظار شما است که مسلماً همان ذلت و حقارت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... است.

۲-۳. ضعف و شکست، پیامد اختلاف

«وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يَرِيذُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يَرِيذُ الْآخِرَةِ؛ خداوند وعده خود را به شما، (درباره پیروزی بر دشمن در احد)، تحقق بخشید؛ در آن هنگام (که در آغاز جنگ)، دشمنان را به فرمان او، به قتل می‌رساندید. (این پیروزی ادامه داشت) تا اینکه سست شدید و (بر سر رها کردن سنگرها)، در کار خود به نزاع پرداختید. بعد از آنکه آنچه را دوست می‌داشتید (غلبه بر دشمن)، به شما نشان داد، نافرمانی کردید. بعضی از شما، خواهان دنیا بودند و بعضی خواهان آخرت.» (آل عمران: ۱۵۲)

در آیه فوق به داستان تلخ شکست مسلمانان در نبرد «احد» اشاره شده است. خداوند از آن شکست که بر اثر اختلاف میان جمعی از جهادگران ایجاد شد، به عنوان درس عبرت یاد می‌کند. اختلافی که نه تنها شکست جمعی دیگر را در پی داشت، بلکه تخلف و تمرد از فرمان مؤکد فرمانده سپاه، یعنی رسول خدا^(ص) را نیز به همراه داشت و بهترین افراد مانند حضرت حمزه سیدالشهدا^(ع) را از سپاه مسلمانان گرفت. این اختلاف به ظاهر جزئی، چنان تأثیر منفی بر سپاه اسلام گذاشت که حتی خبر به شهادت رسیدن پیامبر خدا^(ص)، میدان جنگ را فراگرفت و بسیاری از رزمندگان، با حالت ناامیدی میدان نبرد را ترک کردند و پیامبر خدا را تنها گذاشتند. اگر عده افراد ایثارگر و فداکار، محافظت جان حضرت را بر



جان خویش ترجیح نمی دادند، معلوم نبود بر سر رسول خدا^(ص) و مسلمانان چه می آمد. بر اساس اتفاق مفسرین این آیه و آیات چندی بعد از آن، درباره جنگ احد نازل شده است؛ اما در اینکه مقصود از وعده الهی چی بوده، در تفسیر رازی چند دیدگاه مطرح شده است:

اعلم أن اتصال هذه الآية بما قبلها من وجوه: الأول أنه لما رجع رسول الله صلى الله عليه وسلم وأصحابه إلى المدينة وقد أصابهم ما أصابهم بأحد، قال ناس من أصحابه: من أين أصابنا هذا وقد وعدنا الله النصر! فأنزل الله تعالى هذه الآية. الثاني قال بعضهم كان النبي صلى الله عليه وسلم رأى في المنام أنه يذبح كبشاً فصدق الله رؤياه بقتل طلحة بن عثمان صاحب لواء المشركين يوم أحد، وقتل بعده تسعة نفر على اللواء فذاك قوله: «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ». يريد تصديق رؤيا الرسول صلى الله عليه وسلم. الثالث يجوز أن يكون هذا الوعد ما ذكره في قوله تعالى: «بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ». (آل عمران: ۱۲۵) إلا أن هذا كان مشروطاً بشرط الصبر والتقوى. والرابع يجوز أن يكون هذا الوعد هو قوله: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ». (الحج: ۴۰) إلا أن هذا أيضاً مشروط بشرط. والخامس يجوز أن يكون هذا الوعد هو قوله: «سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ». (آل عمران: ۱۵۱) والسادس قيل: الوعد هو أن النبي صلى الله عليه وسلم قال للرماة: «لا تبرحوا من هذا المكان، فإننا لا نزال غالبين ما دمت في هذا المكان» السابع قال أبو مسلم: لما وعدهم الله في الآية المتقدمة إلقاء الرعب في قلوبهم أكد ذلك بأن ذكرهم ما أنجزهم من الوعد بالنصر في واقعة أحد، فإنه لما وعدهم بالنصرة بشرط أن يتقوا ويصبروا فحين أتوا بذلك الشرط لا جرم، وفي الله تعالى بالمشروط وأعطاهم النصر، فلما تركوا الشرط لا جرم فاتهم المشروط». (الرازي، ۱۴۲۰، ۹: ۳۷۶)

در متن فوق به هفت دیدگاه اشاره شده است؛ اما چه مقصود از وعده الهی، نصرت و پیروزی مسلمین باشد که وقت پیغمبر خدا^(ص) بعد از جنگ احد به مدینه بازگشت، یکی از صحابه پرسید چرا ما با شکست مواجه شدیم، در حالی که خدا به ما وعده نصرت و پیروزی داده بود؟ آن وقت آیه مبارکه نازل شد که برخی این دیدگاه را پذیرفته اند. در تفسیر آلوسی هم آمده: «أخرج الواحدی عن محمد بن كعب قال: لما رجع رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى المدينة، وقد أصيبوا بما أصيبوا يوم أحد، قال ناس من أصحابه: من أين أصابنا هذا وقد



وعدنا الله تعالى النصر؟ فأنزل الله تعالى الآية». (آلوسی، ۱۴۱۵، ۲: ۳۰۱)

خداوند در این آیه از سنت لایتغیر خود حرف زده و آن این است که نصرت و پیروزی خداوند، مطلقاً نصیب مسلمانان نمی‌شود، بلکه در سایه صبر و تقوای الهی به دست می‌آید. در عرصه مسایلی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در مقابل دشمنان دین و مکتب، پیروزی و عزت اسلامی وقت تحقق پیدا می‌کند که مسلمانان اتحاد و همگرایی داشته باشند؛ اما در صورت که صبر و تقوی، جای خود را به هوا هوس و دنیاطلبی بدهد و اتحاد و انسجام تبدیل به تفرقه و اختلاف شود، پیامد آن جز شکست و ضعف و ناتوانی، چیزی دیگری نخواهد بود.

سید قطب، بعد از توضیح اختلاف میان تیراندازان دره احد، می‌گوید: «قلب‌ها متشتت و پراکنده شدند، دیگر صف واحد نداشتند، هدف واحد از بین رفت، طمع دنیاخواهی نور اخلاص را ربود، معرکه عقیده از اخلاص خالی شد... در نتیجه آنچه در این حادثه بر مسلمانان رفته است، برای همه مسلمانان سرمشق و درس عبرت است و هشدار است که اگر با وحدت و همدلی و آشتی زندگی نکنند، تردیدی نداشته باشند که دشمن همواره در کمین است و برای هر جمعی و هر تفکری، دام‌های رنگارنگ براساس سلیقه‌ها، گرایش‌ها، طیف‌ها و... گسترانیده است». (شاذلی، ۱۴۱۲، ۲: ۱۰۷)

۲-۴. اتحاد و همگرایی در پرتو اطاعت از خدا و رسول

خداوند در این آیه «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» دستور خدا و رسولش را اطاعت نمایید و نزاع نکنید که سست می‌شوید و قدرت (شوکت) شما از میان می‌رود». (انفال: ۴۶) در این آیه نیز مقصود از وحدت میان مسلمانان به‌روشنی بیان شده است. امت اسلامی با اینکه اختلافات سلیقه و طبیعی و اختلاف در مسائل جزئی و فرعی، در برابر دشمنان بالفعل و بالقوه خود، به خاطر حفظ حیثیت و دفاع از دین و نائل شدن به اهداف اصولی و اساسی و در ابعاد مختلف زندگی خود، همسو، همفکر و همگرا باشند و با تمام توان و قدرت و برنامه‌ریزی‌های دقیق و هماهنگ، از ارزش‌های دین و دست آوردهای آن دفاع نمایند. طبیعتاً چنین معنای هم مطابق فطرت و سرشت متفاوت انسان‌ها سازگار است و هم وجود اختلافات درون‌دینی



را در امور جزئی و فرعی، معقول می‌سازد. پیام این آیه است که در سایه اطاعت از رسول خدا^(ص) که اصل مشترک اعتقادی بین همه مسلمانان است، به پیروزی و عزت می‌رسید و تنازع و اختلاف باعث ضعف و ناتوانی شما می‌شود.

آنچه از آیات مبارکه به دست می‌آید عبارت است از:

۱. همه انسان‌ها در انسانیت مشترکند؛ اما با ویژگی‌های متفاوت از لحاظ رنگ، قد، زبان، نژاد و بعضی خصوصیات دیگر که این تفاوت‌ها به تعبیر قرآن، جهت برای همدیگر است^۱ نه تفوق و برتری نسبت به همدیگر. معیار کرامت و ارزش انسانی نزد خداوند، تقوا است که در سایه اطاعت خداوند به وجود می‌آید.

۲. نصرت و پیروزی، عزت و عظمت مسلمانان درگرو اعتصام به حبل الله و اطاعت از پیامبر او است.

۳. اختلاف و تفرقه، پیروی از هواهای نفسانی، باعث ضعف و ناتوانی و شکست در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی است.

۳. اتحاد و همگرایی در پرتو سنت

بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام^(ص)، اصحاب و یاران آن حضرت همه شعار پیروی از سیره و سنت پیامبر را سر دادند. مهاجر و انصار هر کدام افتخار همراهی پیامبر را یدک می‌کشیدند. همه مسلمانان بدون استثنا بر عمل به سنت آن حضرت تأکید دارند و به آن افتخار می‌کنند و معتقدند که پایبند به سنت پیغمبر اسلام^(ص) است. بدون شک یکی از محورهای اساسی انسجام اسلامی، سنت پیامبر اکرم^(ص) است؛ اما متأسفانه آنچه در تاریخ هزار و چند صدساله اسلام مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم که مسلمانان سیره عملی پیامبر را در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... نتوانستند پیاده کنند، بلکه بر خلاف سنت و سیره آن حضرت در حرکت هستند. نتیجه این حرکت خلاف جهت، امروز ضعف و شکست، از دست دادن اقتدار و عظمت و تسلط دشمنان اسلام بر کشورهای اسلامی است.

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است؛ خداوند دانا و آگاه است. (الحجرات: ۱۳)

وحدت و همگرایی امت اسلامی را پیامبر اکرم^(ص) به قدری اهمیت می‌داد که بعد از هجرت، از مهم‌ترین کارهایی که انجام داد، بستن پیمان برادری بین مهاجرین و انصار بود. این کار حضرت، ابتکاری بی‌سابقه و انقلابی بود و دشمنان اسلام بالاخص یهود و منافقان را ناامید و اختلافات میان دو جناح عمده اهل مدینه را ریشه‌کن کرد.

از جمله اقدام بسیار مهم دیگری پیامبر اکرم^(ص) در راستای وحدت امت اسلامی، ایجاد اتحاد و همگرایی بین مسلمانان مهاجر و انصار، زیر پرچم اسلام بود که به‌نوعی، یهودیان و هم‌پیمانانشان را تحت پوشش می‌گرفت. البته این مهم به واسطه پیمان‌هایی بود که پیامبر با آن‌ها می‌بست. منشور و مکتوب این پیمان‌ها، مسلمانان را هرچه بیشتر به هم نزدیک کرد و روابط دینی، پایه‌های دینی - عقیدتی و تشکلی و تجمع‌های مردم را تنظیم و محکم کرد و مطابق آن اعلام شد که مسلمانان امت واحده، متحد و مستقل علیه دشمنان و مستکبرین هستند.

از جمله اقدامی دیگری حضرت، وصلت با قبائل مختلف و افراد تازه مسلمان یا افراد سرشناس بود که عمده‌تاً در دوران مدنی بود. آن قبائل را با اسلام خویشاوند می‌نمود که این خود گامی مهمی در راه ایجاد وحدت و همگرایی قبائل افراد کینه‌توز بود؛ اما متأسفانه زحمات طاقت‌فرسایی که آن حضرت در راستای وحدت و همگرایی جامعه اسلامی متحمل شد، امروز به فراموشی سپرده شده است. اتحاد و انسجام جای خود را به تفرقه و اختلاف داده است و این مصیبت بس بزرگ و سنگینی است که کمر امت اسلامی را خم کرده است. لذا ضرورت و اهمیت این امر خطیر و سرنوشت‌ساز در فرمایشات رسول گرامی اسلام ائمه صلوات الله علیهم اجمعین، واضح و روشن است.

۳-۱. دست خدا همراه جماعت

اتحاد و همبستگی، از سفارش‌های اکید پیامبر اکرم^(ص) به مسلمانان است و برای آن فواید فراوان مادی و معنوی برشمرده است. چنانکه حضرت در روایتی فرموده است: «اثنان خیر من واحد و ثلاثة خیر من اثنین و اربعة خیر من ثلاثة فعليکم بالجماعة فان یدالله مع الجماعة و لم یجمع الله عز وجل اّمتی الا علی هدی و اعلموا انّ کلّ شاطن من النار؛ دو نفر، از یک نفر بهترند. سه نفر، از دو نفر بهترند و چهار نفر از سه نفر بهترند. بر شما باد که با جماعت باشید، چراکه دست خدا با جماعت است. خداوند امت من را صرفاً بر هدایت



جمع کرده است و بدانید هر کس از حق دور است، مقامش در آتش است». (متقی هندی، ۱۴۱۹: ۲۰۵)

این روایت یکی از آموزه‌های مهم اجتماعی اسلام را به تصویر می‌کشد. این حدیث برتری کار گروهی را نسبت به فردگرایی و پراکندگی نشان می‌دهد و مسلمانان را به تشکیل جماعت و همدلی توصیه می‌کند. در ابتدای حدیث، پیامبر اکرم (ص) با بیان اینکه «دو نفر بهتر از یک نفر، سه نفر بهتر از دو نفر، و چهار نفر بهتر از سه نفر هستند»، به طور تدریجی بر اهمیت تقویت جمع و همکاری تأکید می‌کنند. این بخش نشان می‌دهد که قدرت و تأثیرگذاری یک گروه هماهنگ و متحد، به مراتب بیشتر از تلاش‌های فردی است. در ادامه تأکید می‌شود که «دست قدرت و حمایت الهی با جمع است» و لطف خداوند همراه جماعت همدل و همراه است. این بیان یادآوری می‌کند که خداوند همراه جماعتی است که نیت خیر دارند و در مسیر حق و هدایت حرکت می‌کنند. بخش دیگری از حدیث اشاره دارد که خداوند امت پیامبر را جز بر هدایت جمعی، گرد هم نمی‌آورد. این موضوع نشان‌دهنده ارزش اجتماع اسلامی و مشورت در تصمیم‌گیری‌ها است. در پایان هشدار داده می‌شود که «هر جدا شده‌ای از جماعت (شاطن) در آتش است». این بخش تأکید دارد که جدایی از جمع و پیروی از انزواطلبی، ممکن است انسان را از مسیر هدایت دور کرده و او را به گمراهی بکشاند و نتیجه گمراهی هم شقاوت و عذاب اخروی است. این حدیث پیامی مهم برای مسلمانان در جهت تقویت وحدت و پرهیز از تفرقه دارد. در زندگی امروز نیز، این اصل در کارهای گروهی، خانواده، و جامعه به خوبی قابل اجرا است و به پیشرفت و موفقیت کمک می‌کند.

۳-۲. جریان برادری بین مسلمانان

ارتباطات مؤمنین در نگاه اسلامی بر پایه اصولی چون محبت، اخلاص، احترام متقابل و تعاون استوار است. اسلام به عنوان دینی جامع و اجتماعی، همواره بر اهمیت روابط انسانی و تعامل سازنده میان افراد تأکید داشته است. قرآن کریم و احادیث نبوی، دستورالعمل‌های گوناگونی برای ارتقای کیفیت ارتباط میان مؤمنین ارائه می‌دهند. یکی از مهم‌ترین اصول ارتباطات اسلامی، اخوت و برادری میان مؤمنین است. در قرآن آمده است: «ثُمَّ الْمُؤْمِنُونَ



إِخْوَة؛ مومنان برادر همدیگرند». (حجرات: ۱۰) این اصل قرآنی، مسئولیت همدلی و حمایت متقابل را در میان مسلمانان تقویت می‌کند.

امام جعفر صادق^(ع) فرمودند: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَحْرِمُهُ فَيَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْجِتْهَادُ فِيهِ وَالتَّوَاصُلُ وَالتَّعَاوُنُ عَلَيْهِ وَالمُؤَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَالعَطْفُ مِنْكُمْ يَكُونُونَ عَلَى مَا أَمَرَ اللَّهُ فِيهِمْ «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱ مُتَرَاحِمِينَ؛ مسلمان برادر مسلمان است و به او ظلم نمی‌کند و تنهانش نمی‌گذارد، سزاوار است که مسلمانان با همدیگر وصلت و همکاری کنند و مددکار هم باشند. نیاز نیازمند را رفع کنند و بر اساس فرمایش خداوند فرمود «با هم مهربان هستند»، واقعا با هم مهربان باشند». (کلینی، ۱۴۲۹، ۷: ۳۳۰)

۳-۳. مومنان همان اعضای یک بدن

از حضرت رسول اکرم^(ص) نقل شده است که فرمود: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ فِي تَعَاطُفِهِمْ وَتَرَاحِمِهِمْ بِمَنْزِلَةِ جَسَدٍ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عَضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْأَعْضَاءِ بِالْحَمَى وَالسَّهَرِ؛ از پیامبر اکرم^(ص) نقل شده است که فرمود: مؤمنان در دوستی و رحمت و عطوفت به یکدیگر، هما مانند اعضای پیکر یک انسان هستند که با درد گرفتن و رنجور شدن یک عضو آن، اعضای دیگر هم متأثر می‌شوند». (خویی، ۱۴۰۰، ۱۷: ۱۳۶-۱۳۷)

در بینش اسلامی، مؤمنان حکم یک بدن واحد را دارند که اعضای آن به یکدیگر وابسته‌اند. اگر یکی از اعضای بدن دچار درد یا مشکلی شود، سایر اعضا نیز تحت تأثیر قرار گرفته و واکنش نشان می‌دهند. این تشبیه، به اهمیت همبستگی، همدردی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میان مسلمانان اشاره دارد. پیام این حدیث، تقویت روحیه تعاون، محبت و توجه به نیازهای دیگران است. از دیدگاه اسلامی، جامعه‌ای موفق و سالم است که اعضای آن به رنج‌ها و مشکلات یکدیگر بی‌تفاوت نباشند و در مسیر رفع نیازها و دردهای همدیگر گام بردارند. این نگاه عمیق دینی، دعوتی به همدلی، محبت و کمک به همنوعان است و بر اهمیت وحدت و همبستگی انسانی تأکید می‌کند.

از مجموع این روایات به این نتیجه می‌رسیم که اتحاد و همگرایی، همدردی و همسویی،



اخوت و انسجام یک اصل اساسی و ارزشمندی در فرهنگ دینی است. تمام عزت و اقتدار، پیروزی و استقلال جامعه اسلامی درگرو حفظ این اصل است. لذا آنچه از مصائب و مشکلات، در جامعه اسلامی در طول تاریخ و به خصوص عصر حاضر مشاهده می‌کنیم، نتیجه تفرقه و اختلاف است؛ زیرا سنت الهی تغییرناپذیر است. خداوند در قرآن کریم برای بندگان گوشزد نموده است که عزت شما در سایه وحدت شما است، شکست و ناتوانی شما در تفرقه و اختلاف شما است.

نتیجه‌گیری

مقصود از وحدت مسلمین این امور است: یک همه آنان به‌رغم داشتن دیدگاه‌های مختلف و سلیقه‌های متفاوت، در مقابل دشمنان مشترک متحد، هماهنگ و منسجم عمل کنند. دو وحدت به این معنا نیست که مذهبی آرای آن را کنار بگذارد و مذهب جدید انتخاب کند. سه از دیدگاه قرآن، ضرورت و اهمیت وحدت و همگرایی، از اساسی‌ترین مسائل اجتماعی و دینی مسلمانان است. هدف واحد در سایه پرستش خدایی واحد. چهار قرآن کریم و همچنین روایات، به پیامدهای اختلاف، هشدار می‌دهد و این هشدار از روشن‌ترین موارد تأکید قرآن بر اتحاد و همگرایی است. پنج اختلاف موجب ضعف و ناتوانی در مقابل دشمنان و از دست دادن اقتدار و عظمت مسلمانان می‌گردد و سرانجامی تلخ و ناگوار و در نتیجه تسلط دشمنان را به دنبال دارد. در روایات نیز به ضرورت و اهمیت اتحاد و همگرایی تأکید فراوان و به پیامدهای ناگوار اختلاف و تفرقه اشاره شده است.

بنابراین جوامع مسلمان اگر می‌خواهد که اقتدار و عظمت و عزتشان حفظ بشود باید به دور از هرگونه تعصب بی‌جا و برتری طلبی، دست اتحاد و برادری به‌سوی همدیگر دراز نمایند تا از برکات اتحاد و همگرایی بهره‌مند شوند. شکی نیست که اتحاد و همگرایی به دست نمی‌آید جز در پرتو قرآن کریم و سنت پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص).

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة و تکملة منهاج البراعة، (به کوشش: حبیب الله هاشمی خویی، حسن حسن زاده آملی، محمدباقر کمره‌ای)، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۳. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. الرازی، فخرالدین محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالعلم.
۶. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، بیروت - قاهره.
۷. شمس‌الدین، محمد مهدی، (۱۳۸۵)، مطارحات فی الفكر المادی و الفكر الدینی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۸. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، (ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: دار الحديث.
۱۱. متقی هندی، (۱۴۱۹ق)، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۱۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، امامت و رهبری، تهران: انتشارات صدرا.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۶)، برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. وجدی، محمد فرید، (۱۹۹۶م)، دائرة المعارف القرن العشرين، بیروت: دارالمشرق.